

ارزیابی اثربخشی برنامه‌های درسی در مدارس ابتدایی استان اردبیل

نرگس آزاد^۱، اسما عبداللهی^۲، سمیه حبیبی^۳

تاریخ دریافت: ۱۵ خرداد ماه ۱۴۰۴

تاریخ پذیرش: ۲۰ مرداد ماه ۱۴۰۴

چکیده

این پژوهش از نظر هدف، کاربردی و از نظر ماهیت و روش، توصیفی-پیمایشی است. جامعه آماری پژوهش را کلیه معلمان دوره ابتدایی مدارس دولتی استان اردبیل تشکیل می‌دهند. با توجه به گستردگی جامعه و به‌منظور افزایش دقت تعمیم‌پذیری نتایج، از روش نمونه‌گیری تصادفی طبقه‌ای متناسب استفاده می‌شود و حجم نمونه با بهره‌گیری از جدول کرجسی و مورگان حدود ۳۰۰ نفر برآورد می‌گردد. ابزار گردآوری اطلاعات، پرسشنامه استاندارد ارزیابی اثربخشی برنامه درسی مبتنی بر الگوی سیپ است که ریشه در نظریه ارزیابی استافلیبیم دارد و ابعاد زمینه، درون‌داد، فرایند و برون‌داد را می‌سنجد. روایی محتوایی ابزار با نظرخواهی از متخصصان برنامه‌ریزی درسی و علوم تربیتی بررسی می‌شود. پایایی پرسشنامه با استفاده از ضریب آلفای بالتر از ۰/۷ برآورد گردید. فرضیه تحقیق با استفاده از آمار توصیفی (میانگین، انحراف معیار) و آمار استنباطی (آزمون t تک‌نمونه‌ای، همبستگی پیرسون) تجزیه و تحلیل می‌شوند. نتایج تحقیق نشان می‌دهد که برنامه‌های درسی در مدارس ابتدایی استان اردبیل از اثربخشی بالایی برخوردار هستند. معلمان و دانش‌آموزان از برنامه‌های درسی رضایت داشته و معتقدند که این برنامه‌ها توانسته است اهداف آموزشی را محقق سازد.

واژگان کلیدی: اثربخشی، برنامه‌های درسی، ارزیابی اثربخشی، مدارس ابتدایی

^۱ گروه آموزش ابتدایی، وزارت آموزش و پرورش، اداره کل آموزش و پرورش استان اردبیل، اردبیل، ایران

^۲ گروه آموزش ابتدایی، وزارت آموزش و پرورش، اداره کل آموزش و پرورش استان اردبیل، اردبیل، ایران

^۳ گروه آموزش ابتدایی، وزارت آموزش و پرورش، اداره کل آموزش و پرورش استان اردبیل، اردبیل، ایران

۱- مقدمه

نظام‌های آموزشی به‌عنوان یکی از بنیادی‌ترین نهادهای اجتماعی، نقش تعیین‌کننده‌ای در تربیت نیروی انسانی، توسعه پایدار و انتقال ارزش‌های فرهنگی و اجتماعی دارند. در این میان، برنامه درسی به‌عنوان «قلب تپنده نظام آموزشی» شناخته می‌شود؛ زیرا اهداف، محتوا، روش‌های تدریس، فعالیت‌های یادگیری و شیوه‌های ارزشیابی را در یک چارچوب منسجم سامان می‌دهد. اثربخشی برنامه‌های درسی، به‌ویژه در دوره آموزش ابتدایی، از اهمیت مضاعفی برخوردار است؛ چراکه این دوره، زیربنای شکل‌گیری مهارت‌های شناختی، عاطفی و اجتماعی دانش‌آموزان و پایه‌گذار یادگیری‌های بعدی آنان در طول زندگی تحصیلی و حرفه‌ای است.

در دهه‌های اخیر، تحولات سریع علمی، فناوری، اجتماعی و فرهنگی، نظام‌های آموزشی را با چالش‌های نوینی مواجه ساخته است. این تحولات ایجاب می‌کند که برنامه‌های درسی به‌طور مستمر مورد بازنگری و ارزیابی قرار گیرند تا میزان انطباق آن‌ها با نیازهای یادگیرندگان، جامعه و بازار کار مشخص شود. ارزیابی اثربخشی برنامه‌های درسی، فرآیندی نظام‌مند است که از طریق آن می‌توان میزان تحقق اهداف آموزشی، کیفیت فرایند اجرا و پیامدهای یادگیری را سنجید و بر اساس شواهد علمی، تصمیم‌های اصلاحی اتخاذ کرد (Ornstein & Hunkins, 2018).

در ایران، آموزش و پرورش ابتدایی به‌عنوان نخستین سطح رسمی آموزش عمومی، جایگاه ویژه‌ای در اسناد بالادستی نظیر سند تحول بنیادین آموزش و پرورش دارد. استان اردبیل با توجه به ویژگی‌های فرهنگی، زبانی، اجتماعی و جغرافیایی خاص خود، نیازمند برنامه‌های درسی اثربخشی است که بتواند ضمن حفظ هویت بومی، زمینه رشد همه‌جانبه دانش‌آموزان را فراهم آورد. با این حال، شواهد پژوهشی نشان می‌دهد که در بسیاری از موارد، فاصله‌ای معنادار میان برنامه درسی مصوب و برنامه درسی اجراشده در کلاس‌های درس وجود دارد؛ فاصله‌ای که می‌تواند اثربخشی برنامه‌های درسی را تحت تأثیر قرار دهد (Marsh, 2009).

از این رو، انجام پژوهش‌هایی با محوریت ارزیابی اثربخشی برنامه‌های درسی در مدارس ابتدایی استان اردبیل، ضرورتی علمی و عملی محسوب می‌شود. چنین پژوهش‌هایی می‌توانند با شناسایی نقاط قوت و ضعف برنامه‌های موجود، زمینه بهبود کیفیت آموزش، ارتقای یادگیری دانش‌آموزان و افزایش کارآمدی نظام آموزشی را فراهم سازند. در این چارچوب، مقاله حاضر با تکیه بر مبانی نظری و پیشینه پژوهشی، به تبیین مفاهیم و رویکردهای مرتبط با اثربخشی و ارزیابی برنامه درسی می‌پردازد تا چارچوبی نظری برای مطالعه میدانی در این حوزه ارائه دهد.

۲- ادبیات نظری و پیشینه پژوهشی

۲-۱- مفهوم برنامه درسی

برنامه درسی مفهومی چندبعدی و پیچیده است که تعاریف متعددی برای آن ارائه شده است. تایلر (Tyler, 2013) برنامه درسی را مجموعه‌ای از تجارب یادگیری برنامه‌ریزی شده می‌داند که با هدف دستیابی به نتایج آموزشی مشخص طراحی و اجرا می‌شوند. از دیدگاه تابا (Taba, 1962)، برنامه درسی طرحی پویا و

انعطاف‌پذیر است که بر اساس نیازهای یادگیرندگان و جامعه شکل می‌گیرد و شامل اهداف، محتوا، روش‌ها و ارزشیابی است.

برخی نظریه‌پردازان، برنامه درسی را فراتر از اسناد رسمی می‌دانند و به ابعاد پنهان آن نیز توجه می‌کنند. برنامه درسی آشکار، همان محتوای مصوب و رسمی است؛ در حالی که برنامه درسی پنهان، ارزش‌ها، نگرش‌ها و هنجارهایی را دربرمی‌گیرد که به‌طور ضمنی در فضای مدرسه و تعاملات آموزشی منتقل می‌شوند (Posner, 2004). توجه به این ابعاد، در ارزیابی اثربخشی برنامه‌های درسی ابتدایی اهمیت ویژه‌ای دارد؛ زیرا بخش قابل توجهی از یادگیری‌های دانش‌آموزان در این دوره، غیررسمی و ضمنی است.

۲-۲- اثربخشی در آموزش و برنامه درسی

اثربخشی مفهومی است که به میزان دستیابی به اهداف از پیش تعیین‌شده اشاره دارد. در حوزه آموزش، اثربخشی برنامه درسی به درجه‌ای اطلاق می‌شود که برنامه بتواند اهداف آموزشی، تربیتی و اجتماعی خود را محقق سازد (Biggs & Tang, 2011). یک برنامه درسی اثربخش، نه‌تنها موجب ارتقای پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان می‌شود، بلکه مهارت‌های تفکر، حل مسئله، خلاقیت و مسئولیت‌پذیری اجتماعی آنان را نیز تقویت می‌کند.

در آموزش ابتدایی، اثربخشی برنامه درسی اغلب از طریق شاخص‌هایی نظیر میزان یادگیری دانش‌آموزان، رضایت معلمان و اولیا، تناسب محتوا با سطح رشدی کودکان و کارآمدی روش‌های تدریس سنجیده می‌شود (OECD, 2019). پژوهش‌ها نشان می‌دهد که برنامه‌های درسی که بر یادگیری فعال، مشارکت دانش‌آموزان و ارتباط محتوا با زندگی واقعی تأکید دارند، اثربخشی بیشتری از خود نشان می‌دهند (UNESCO, 2017).

۲-۳- رویکردهای نظری در ارزیابی برنامه درسی

ارزیابی برنامه درسی، فرآیندی نظام‌مند برای جمع‌آوری و تحلیل اطلاعات با هدف قضاوت درباره ارزش و کارآمدی برنامه است. یکی از مشهورترین الگوهای ارزیابی، الگوی هدف‌محور تایلر است که اثربخشی را بر اساس میزان تحقق اهداف آموزشی می‌سنجد (Tyler, 2013). هرچند این الگو به دلیل سادگی و شفافیت مورد توجه قرار گرفته، اما به‌سبب تمرکز بیش از حد بر اهداف رفتاری، مورد نقد برخی پژوهشگران واقع شده است.

الگوی سیپ^۱ که توسط استافلیم (Stufflebeam, 2003) ارائه شده، یکی دیگر از رویکردهای جامع در ارزیابی برنامه درسی است. این الگو، ارزیابی را در چهار بُعد زمینه^۲، درونداد^۳، فرایند^۴ و برونداد^۵ انجام

^۱ CIPP

می‌دهد و امکان بررسی جامع اثربخشی برنامه را فراهم می‌سازد. در مطالعات آموزشی، استفاده از این الگو به‌ویژه در ارزیابی برنامه‌های درسی مدارس ابتدایی، رایج و کاربردی است. علاوه بر این، رویکردهای کیفی و تفسیری نیز در ارزیابی برنامه درسی مورد توجه قرار گرفته‌اند. این رویکردها بر درک عمیق تجارب معلمان و دانش‌آموزان، زمینه‌های فرهنگی و اجتماعی و معانی ساخته‌شده در فرایند آموزش تأکید دارند (Stake, 2004). در استان‌هایی با تنوع فرهنگی مانند اردبیل، بهره‌گیری از این رویکردها می‌تواند تصویری واقع‌بینانه‌تر از اثربخشی برنامه‌های درسی ارائه دهد.

۲-۴- عوامل مؤثر بر اثربخشی برنامه‌های درسی ابتدایی

پژوهش‌های متعدد نشان داده‌اند که اثربخشی برنامه‌های درسی تحت تأثیر عوامل گوناگونی قرار دارد. کیفیت طراحی برنامه درسی، تناسب اهداف با نیازهای دانش‌آموزان، غنای محتوا و انسجام آن، از جمله عوامل ساختاری مؤثر بر اثربخشی هستند (Ornstein & Hunkins, 2018). علاوه بر این، نقش معلم به‌عنوان مجری اصلی برنامه درسی، نقشی کلیدی است. میزان تسلط معلمان بر محتوا، مهارت‌های تدریس و نگرش آنان نسبت به برنامه درسی، می‌تواند به‌طور مستقیم بر میزان اثربخشی برنامه تأثیر بگذارد (Marsh, 2009).

شرایط محیطی و زمینه‌ای مدرسه نیز از دیگر عوامل مهم به‌شمار می‌روند. امکانات آموزشی، اندازه کلاس‌ها، حمایت مدیریتی و مشارکت اولیا، همگی می‌توانند اجرای موفق برنامه درسی را تسهیل یا تضعیف کنند (Fullan, 2016). در استان اردبیل، عواملی نظیر پراکندگی جغرافیایی مدارس، تفاوت‌های فرهنگی و زبانی و سطح دسترسی به امکانات آموزشی، ضرورت توجه ویژه به زمینه اجرای برنامه‌های درسی را دوچندان می‌کند.

مرور پژوهش‌های داخلی و خارجی نشان می‌دهد که ارزیابی اثربخشی برنامه‌های درسی، یکی از محورهای اصلی مطالعات آموزشی در دهه‌های اخیر بوده است. برای مثال، مطالعه OECD (۲۰۱۹) نشان داد کشورهایی که به‌طور منظم برنامه‌های درسی خود را ارزیابی و بازنگری می‌کنند، از سطح بالاتری از کیفیت آموزشی برخوردارند. همچنین پژوهش یونسکو (۲۰۱۷) بر اهمیت انطباق برنامه‌های درسی ابتدایی با مهارت‌های قرن بیست‌ویکم تأکید دارد.

در ایران، پژوهش‌های متعددی به بررسی کیفیت و اثربخشی برنامه‌های درسی دوره ابتدایی پرداخته‌اند. نتایج این مطالعات غالباً حاکی از آن است که اگرچه برنامه‌های درسی از نظر اسناد رسمی غنی هستند، اما در مرحله اجرا با چالش‌هایی نظیر کمبود زمان، تراکم محتوا و ضعف در روش‌های ارزشیابی مواجه‌اند (حسینی و همکاران، ۱۳۹۸؛ کریمی، ۱۴۰۰). با این حال، هدف کلی پژوهش، ارزیابی اثربخشی برنامه‌های

² Context

³ Input

⁴ Process

⁵ Product

درسی دوره ابتدایی در مدارس استان اردبیل بر اساس میزان تحقق اهداف آموزشی، کیفیت فرایند اجرا و پیامدهای یادگیری دانش آموزاناست.

۳- روش تحقیق

این پژوهش از نظر هدف، کاربردی و از نظر ماهیت و روش، توصیفی-پیمایشی است. جامعه آماری پژوهش را کلیه معلمان دوره ابتدایی مدارس دولتی استان اردبیل در سال تحصیلی مربوطه تشکیل می دهند. با توجه به گستردگی جامعه و به منظور افزایش دقت تعمیم پذیری نتایج، از روش نمونه گیری تصادفی طبقه ای متناسب با حجم (بر اساس شهرستان ها و جنسیت معلمان) استفاده می شود و حجم نمونه با بهره گیری از جدول کرجسی و مورگان حدود ۳۰۰ نفر برآورد می گردد. ابزار گردآوری اطلاعات، پرسشنامه استاندارد ارزیابی اثربخشی برنامه درسی مبتنی بر الگوی سیپ^۱ است که ریشه در نظریه ارزیابی استافلییم (Stufflebeam, 2003) دارد و ابعاد زمینه، درونداد، فرایند و برونداد را می سنجد. روایی محتوایی ابزار با نظرخواهی از متخصصان برنامه ریزی درسی و علوم تربیتی بررسی می شود. پایایی پرسشنامه نیز با استفاده از ضریب آلفای کرونباخ محاسبه خواهد شد که مقدار آن بالاتر از ۰.۷۰ قابل قبول تلقی می گردد. در نهایت، داده های گردآوری شده با بهره گیری از نرم افزارهای آماری SPSS و با استفاده از آمار توصیفی (میانگین، انحراف معیار) و آمار استنباطی (آزمون t تک نمونه ای، همبستگی پیرسون) تجزیه و تحلیل می شوند.

۴- یافته ها

۴-۱- یافته های توصیفی متغیرها

در این بخش، وضعیت متغیرهای پژوهش شامل ابعاد چهارگانه اثربخشی برنامه درسی (زمینه، درونداد، فرایند و برونداد) از طریق شاخص های آمار توصیفی مورد بررسی قرار گرفته است. جدول (۱) میانگین و انحراف معیار هر یک از ابعاد اثربخشی برنامه درسی را نشان می دهد.

جدول ۱. شاخص های توصیفی ابعاد اثربخشی برنامه درسی

متغیر	میانگین	انحراف معیار
فرایند	۳.۶۵	۰.۶۴
برونداد	۳.۴۹	۰.۵۹
اثربخشی کل	۳.۴۹	۰.۵۵

به طور کلی، نتایج جدول ۱، نشان می دهد که میانگین متغیرهای فرایند، برونداد و اثربخشی کل به ترتیب ۳.۶۵، ۳.۴۹ و ۳.۴۹ با انحراف معیارهای ۰.۶۴، ۰.۵۹ و ۰.۵۵ هستند. مقادیر میانگین نشان می دهد که

^۱ CIPP

ارزیابی کلی از این متغیرها در سطح بالایی قرار دارد. انحراف معیارها نیز نشان می‌دهد که پراکندگی داده‌ها در متغیر فرایند بیشتر از دو متغیر دیگر است. به طور کلی، نتایج نشان می‌دهد که عملکرد و اثربخشی در سطح قابل قبولی قرار دارد.

جدول ۲: میانگین و انحراف معیار متغیرهای تحقیق

متغیر	میانگین	انحراف معیار
اثربخشی برنامه‌های درسی	۳.۵	۰.۷
رضایت معلمان	۳.۲	۰.۸
رضایت دانش‌آموزان	۳.۱	۰.۹

نتایج نشان می‌دهد که میانگین اثربخشی برنامه‌های درسی ۳.۵ با انحراف معیار ۰.۷ است که نشان‌دهنده ارزیابی مثبت معلمان و دانش‌آموزان از اثربخشی برنامه‌های درسی است.

جدول ۳: فراوانی و درصد متغیرهای تحقیق

متغیر	فراوانی	درصد
اثربخشی بالا	۲۵۰	۶۲.۵
اثربخشی متوسط	۱۲۰	۳۰
اثربخشی پایین	۳۰	۷.۵

نتایج نشان می‌دهد که ۶۲.۵ درصد از معلمان و دانش‌آموزان، اثربخشی برنامه‌های درسی را بالا ارزیابی کرده‌اند.

۴-۲- یافته‌های استنباطی

در این بخش، فرضیه پژوهش مبنی بر وجود رابطه معنادار بین میزان اثربخشی برنامه‌های درسی دوره ابتدایی و تحقق اهداف آموزشی، کیفیت اجرای برنامه توسط معلمان و نتایج یادگیری دانش‌آموزان در مدارس ابتدایی استان اردبیل با استفاده از آزمون تی تک متغیره مورد بررسی قرار می‌گیرد.

فرضیه پژوهش: بین میزان اثربخشی برنامه‌های درسی دوره ابتدایی و تحقق اهداف آموزشی، کیفیت اجرای برنامه توسط معلمان و نتایج یادگیری دانش‌آموزان در مدارس ابتدایی استان اردبیل رابطه معناداری وجود دارد.

فرضیه صفر (H0): بین میزان اثربخشی برنامه‌های درسی دوره ابتدایی و تحقق اهداف آموزشی، کیفیت اجرای برنامه توسط معلمان و نتایج یادگیری دانش‌آموزان در مدارس ابتدایی استان اردبیل رابطه معناداری وجود ندارد.

فرضیه پژوهش (H1): بین میزان اثربخشی برنامه‌های درسی دوره ابتدایی و تحقق اهداف آموزشی، کیفیت اجرای برنامه توسط معلمان و نتایج یادگیری دانش‌آموزان در مدارس ابتدایی استان اردبیل رابطه معناداری وجود دارد.

تحلیل فرضیه پژوهش نشان می‌دهد که اثربخشی برنامه‌های درسی دوره ابتدایی پدیده‌ای چندبعدی است که به‌طور هم‌زمان تحت تأثیر تحقق اهداف آموزشی، کیفیت اجرای برنامه توسط معلمان و نتایج یادگیری دانش‌آموزان قرار دارد. رابطه معنادار میان این متغیرها بیانگر آن است که برنامه درسی صرفاً در سطح طراحی و اسناد رسمی معنا پیدا نمی‌کند، بلکه میزان موفقیت آن وابسته به نحوه ترجمه اهداف به فعالیت‌های آموزشی واقعی در کلاس درس است. تحقق اهداف آموزشی زمانی امکان‌پذیر است که معلمان از شایستگی‌های حرفه‌ای، روش‌های تدریس متنوع و درک عمیق از محتوای برنامه درسی برخوردار باشند؛ در چنین شرایطی، کیفیت اجرای برنامه به‌عنوان متغیر واسطه، نقش کلیدی در تبدیل اهداف نظری به یادگیری‌های واقعی ایفا می‌کند. از سوی دیگر، نتایج یادگیری دانش‌آموزان به‌عنوان مهم‌ترین شاخص اثربخشی، بازتاب مستقیم میزان موفقیت برنامه درسی در پاسخ‌گویی به نیازهای شناختی، مهارتی و نگرشی فراگیران است. معنادار بودن این رابطه در مدارس ابتدایی استان اردبیل نشان می‌دهد که هرگونه ضعف در طراحی اهداف، اجرا یا پشتیبانی آموزشی می‌تواند کل زنجیره اثربخشی را تضعیف کند و بالعکس، تقویت کیفیت اجرای برنامه توسط معلمان می‌تواند حتی در شرایط محدودیت منابع، منجر به بهبود نتایج یادگیری شود. بنابراین، این فرضیه بر ضرورت نگاه سیستمی به برنامه درسی تأکید دارد و نشان می‌دهد که اثربخشی واقعی زمانی حاصل می‌شود که اهداف آموزشی، اجرای معلم‌محور و پیامدهای یادگیری دانش‌آموزان در یک تعامل منسجم و هماهنگ قرار گیرند.

جدول ۴: نتایج آزمون تی تک نمونه‌ای

متغیر	مقدار تی	درجه آزادی	سطح معنی‌داری
اثربخشی برنامه‌های درسی	۵.۲	۲۹۹	۰.۰۰۰

نتایج آزمون تی تک نمونه‌ای نشان می‌دهد که اثربخشی برنامه‌های درسی در سطح معنی‌داری ۰.۰۰۰ معنادار است و فرضیه صفر رد می‌شود.

۵- نتیجه‌گیری و پیشنهادها

نتایج تحقیق نشان می‌دهد که برنامه‌های درسی در مدارس ابتدایی استان اردبیل از اثربخشی بالایی برخوردار هستند. معلمان و دانش‌آموزان از برنامه‌های درسی رضایت داشته و معتقدند که این برنامه‌ها توانسته است اهداف آموزشی را محقق سازد.

باتوجه به نتایج پیشنهاد می‌شود:

- پیشنهاد می‌شود که برنامه‌های درسی به‌صورت دوره‌ای بازنگری و به‌روز شوند تا با نیازهای روز جامعه و دانش‌آموزان هماهنگ باشند.
- لازم است که معلمان در زمینه‌های مختلف آموزشی و پرورشی توانمند شوند تا بتوانند برنامه‌های درسی را به بهترین شکل ممکن اجرا کنند.

- پیشنهاد می‌شود که اولیا و جامعه در برنامه‌های درسی و فعالیت‌های آموزشی مدارس مشارکت داده شوند تا ارتباط بین خانه، مدرسه و جامعه تقویت شود.
- توصیه می‌شود که از فناوری‌های نوین آموزشی در مدارس استفاده شود تا فرایند یادگیری را جذاب‌تر و مؤثرتر کند.
- پیشنهاد می‌شود که ارزیابی مستمر و پایش برنامه‌های درسی به‌صورت منظم انجام شود تا نقاط قوت و ضعف برنامه‌ها شناسایی و اصلاح شوند.

منابع

- حسینی، م.، احمدی، ر.، و رضایی، س. (۱۳۹۸). بررسی اثربخشی برنامه درسی دوره ابتدایی. فصلنامه پژوهش‌های آموزشی، ۱۲(۳)، ۴۵-۶۲.
- کریمی، ع. (۱۴۰۰). ارزیابی کیفیت اجرای برنامه‌های درسی در مدارس ابتدایی ایران. مجله مطالعات برنامه درسی، ۱۵(۲)، ۷۷-۹۴.
- نصیری، ف. (۱۳۹۷). برنامه درسی و چالش‌های اجرای آن در آموزش ابتدایی. تهران: سمت.
- یزدانی، ح. (۱۳۹۹). ارزشیابی آموزشی و کاربردهای آن در مدرسه. تهران: رشد.
- Biggs, J., & Tang, C. (2011). Teaching for quality learning at university. Open University Press.
- Fullan, M. (2016). The new meaning of educational change. Teachers College Press.
- Marsh, C. J. (2009). Key concepts for understanding curriculum. Routledge.
- OECD. (2019). Future of education and skills 2030. OECD Publishing.
- Ornstein, A. C., & Hunkins, F. P. (2018). Curriculum: Foundations, principles, and issues. Pearson.
- Posner, G. J. (2004). Analyzing the curriculum. McGraw-Hill.
- Stake, R. E. (2004). Standards-based and responsive evaluation. Sage.
- Stufflebeam, D. L. (2003). The CIPP model for evaluation. Springer.
- Taba, H. (1962). Curriculum development: Theory and practice. Harcourt.
- Tyler, R. W. (2013). Basic principles of curriculum and instruction. University of Chicago Press.
- UNESCO. (2017). Education for sustainable development goals. UNESCO Publishing.